

## زبان فارسی و رسانه‌های جمعی

طیبه مرتضوی یوسف‌آبادی<sup>1</sup>، خدابخش اسداللهی<sup>2</sup>  
1- دانشجوی کارشناسی‌ارشد ادبیات پایداری، دانشگاه محقق اردبیلی  
2- استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی

### چکیده

یکی از مؤلفه‌های مهم هویت ملی ایران را می‌توان زبان فارسی دانست. زبانی که نتیجه میراث مشترک فرهنگی، تاریخی و سیاسی این سرزمین از گذشته تا امروز بوده‌است. خط و زبان از عناصر اصلی فرهنگ و هویت هر ملت است. از سوی دیگر رسانه‌ها با قدرتی که پیدا کرده‌اند، می‌توانند در حفظ و تقویت این هویت یا تضعیف و نابودی آن تأثیر فراوانی داشته‌باشند؛ به همین جهت در قوانین مربوط به رسانه‌ها چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی مقرراتی راجع به خط و زبان مورد استفاده وجود دارد. امروزه با به وجود آمدن رسانه‌های گروهی ارتباط مستقیم به‌طور نسبی به ارتباط غیرمستقیم تبدیل شده و چون یک رسانه می‌تواند هم‌زمان پیام‌گوینده را برای هزاران نفر مخاطب ارسال کند؛ بنابراین ضرورت دقت جدی در مورد مسئله زبان و کاربرد آن در این رسانه‌ها مطرح می‌شود؛ چرا که به دلیل گستردگی مخاطبان رسانه‌های همگانی، عدم دقت کافی در کاربرد صحیح زبان مورد استفاده، موجب یادگیری غلط مخاطبان و کم‌رنگ شدن غنای ساختاری و فرهنگی زبان مورد استفاده را به همراه دارد. در این مقاله سعی شده‌است مسائل مربوط به زبان و رسانه، به‌خصوص مطبوعات و رسانه‌های جمعی مورد بررسی قرار گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** زبان فارسی، رسانه‌های گروهی، مطبوعات.

### 1- مقدمه

اشکالات اساسی در زبان رسانه‌های جمعی به‌خصوص مطبوعات وجود دارد که در ضرورت برطرف کردن آن‌ها شکی نیست. این اشکالات در اثر ناآگاهی از قواعد ساختمان زبان فارسی و یا ناشی از اشکالات بلاغی، تلفظی و بیانی است. روزبه‌روز رسانه‌ها باعث می‌شوند که الگوهای زبان غیرمعیار رواج بیشتری پیداکنند؛ بنابراین درست‌نویسی در رسانه‌ها موضوع مهمی است. از آنجایی که رسانه‌ها رسم‌الخط مشترکی ندارند، اشکالاتی چون درازنویسی، مغلق‌نویسی و اشتباه‌های نگارشی و دستوری هم دارند که لازم است این الگوها شناخته‌شوند و در صورت امکان کنترل گردند و یا با الگوهای معیار جایگزین شوند. زبان آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها و افراد تحصیل کرده، زبان معیار است و وسیله ارتباطی میان افرادی که در سایر وضعیت‌ها، به لهجه‌های محلی و اجتماعی خود سخن می‌گویند. از جمله عواملی که زبان را از معیار اصلی دور می‌کند: عناصر زبانی ترک‌شده در سطوح آوایی، صرفی، نحوی و عناصر قاموسی و دستوری، اصرار در سره‌نویسی، عربی‌مآبی و عامیانه‌گرایی که ضعف زبان را در پی دارند، گرت‌برداری از زبان‌های بیگانه از طریق ترجمه کاربرد عناصر محلی و محاوره‌ای و افراط در آن، شکسته‌نویسی در موارد غیرضروری و ... . زبان و خطی که در انواع رسانه‌ها (دیداری، شنیداری و نوشتاری) مورد استفاده قرار می‌گیرد، به دو دلیل مورد توجه سیاست‌گزاران ارتباطی و

قانون‌گزاران قرار گرفته‌است: یکی به دلیل نقش خط و زبان در فرهنگ و هویت ملی و دیگری به دلیل تأثیر عمیق همه جانبه رسانه‌ها در ترویج یا تضعیف زبان‌ها و خط‌ها (ذوالفقاری، 1386: 11).

معینی، درباره رسانه‌های جمعی مثل رادیو و تلویزیون که اقشار مختلف مردم با آن ارتباط دارند، می‌گوید: «رادیو و تلویزیون مثل معلمانی تلاش‌گر، سهمی عمده و تعیین‌کننده به وسیله گویندگان در امر آموزش لغت‌ها و اصطلاحات، به شنوندگان و بینندگان خود برعهده دارند؛ به همین سبب شاید کمترین لغزش و خطا در بیان و یا تلفظ غلط واژه‌ها از سوی گویندگان، در سطحی وسیع انتشار یافته، غلط مصطلح شده و فراوانی آن، باعث نابودی زبان و فرهنگ جامعه شود» (معینی، 1391: 9).

بنابراین وظیفه همه دست‌اندرکاران، امر زبان فارسی، جلوگیری از غلط‌های گفتاری و نوشتاری است که به راحتی در رسانه‌ها راه پیدا کرده‌است و همچنین نگهداری از زبان فارسی است؛ و از آن جایی که بیشترین تأثیر را رسانه‌ها به عنوان نهادهای آموزشی غیررسمی بر زبان فارسی دارند و گاه الگوی مخاطبان قرار می‌گیرند، بیان جایگاه رسانه‌ها به عنوان عاملی که باعث برتری یا انحطاط زبان می‌شوند، بسیار مهم است؛ لذا در این نوشته سعی شده به برخی مسائل مربوط به زبان و رسانه به‌خصوص، زبان رسانه اشاره‌شود و آسیب‌ها و راهکارهای این حوزه مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

## 2. پیشینه پژوهش

مسئله زبان و رسانه (به‌ویژه تلویزیون و رادیو) یکی از موضوعات مهم در زمینه مطالعات رسانه‌هاست که پژوهش‌هایی در این خصوص صورت گرفته‌است، از جمله:

- ناصر قلی سارلی (1387)، «زبان معیار»: در این کتاب، مباحث نظری سودمندی درباره زبان معیار همانند ویژگی‌ها، کارکردها و گونه‌های آن، رابطه زبان معیار با زبان ملی و رسمی دارد.

- توفیق حیدرزاده (1374)، «نقش رسانه‌های همگانی در ترویج زبان علم و مشکلات موجود در ترویج زبان علم از رسانه‌ها»، مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی زبان علم، مرکز نشر دانشگاهی: که در این مقاله به بررسی مشکلات موجود در ترویج زبان علم از رسانه و گسترش سریع شکل‌های مختلف رسانه‌های گروهی می‌پردازد.

- ناصر ایرانی (1375)، «خطرهایی که زبان فارسی را تهدید می‌کند»، درباره زبان فارسی، مرکز نشر دانشگاهی: در این مقاله عمده‌ترین خطرهایی که زبان فارسی را تهدید می‌کند به سه دسته تقسیم می‌کند: خطر ناشی از ورود جامعه‌های فارسی زبان به دوران جدید، خطر ناشی از کم سوادی و کمبود نیروی خلاق در زبان‌سازی و خطر ناشی از میدان عمل یافتن کم سواد در رسانه‌های گروهی و سپس به ذکر راهکار برای این سه خطر می‌پردازد.

برخی از مجموعه مقالات هم‌اندیشی زبان و رسانه (1384) به آسیب‌شناسی زبان فارسی در رسانه ملی پرداخته‌اند. برای نمونه حمید حسنی (1384) انواع اشتباهات زبانی در صدا و سیما را در سه دسته از هم تمیز داده‌است و توضیح می‌دهد: الف) غلط‌های معنایی، محتوایی و دستوری ب) غلط‌های تلفظی، شامل لغات و اعلام و عبارتهای عربی، اعم از آیه و حدیث و مثل. ج) غلط‌های عروضی در شعرخوانی.

## 3. روش پژوهش

روش خاص این پژوهش توصیفی - تحلیلی است که با تحلیل شواهد درون متنی به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته‌است و مهم‌ترین داده‌ها، بررسی منابع مرتبط با موضوع است.

#### 4. بحث و بررسی

زبان فارسی مانند هر زبان دیگری دارای چارچوب خاص خود است و پیشرفت می‌کند؛ اما این پیشرفت باید در مسیر درست و سازگار با ساختار آن به وقوع بپیوندد. امروزه با به وجود آمدن رسانه‌های گروهی ارتباط مستقیم به‌طور نسبی به ارتباط غیرمستقیم تبدیل شده و از آن جایی که یک رسانه می‌تواند هم‌زمان پیام‌گوینده را برای هزاران نفر مخاطب ارسال کند؛ بنابراین ضرورت دقت جدی در مورد مسئله زبان و کاربرد آن در این رسانه‌ها مطرح می‌شود؛ چرا که به دلیل گستردگی مخاطبان رسانه‌های همگانی، عدم دقت کافی در کاربرد صحیح زبان مورد استفاده، موجب یادگیری غلط مخاطبان و کم‌رنگ‌شدن غنای ساختاری و فرهنگی زبان مورد استفاده را به همراه دارد.

محمدرضا باطنی در کتاب زبان و تفکر زیر عنوان «رادیو و تلویزیون: دو قیم زبان فارسی» می‌نویسد: «زبان مانند ارگانیکسم زنده‌ای است که پیوسته در حال دگرگونی و تغییر است. کسانی که گذشته زبان را ملاک ارزیابی و قضاوت درباره صورت فعلی آن قرار می‌دهند. در واقع تحول زبان را انکار می‌کنند و می‌کوشند از تحول آن جلوگیری کنند؛ ولی این تلاشی است بیهوده و عبث، که همیشه به ناکامی می‌انجامد؛ زیرا شنا کردن برخلاف جریان آب است» (باطنی، 1390: 183).

غلط‌های گفتاری مواردی هستند که مستقیم یا غیرمستقیم در دراز مدت با تکرار در رسانه‌های جمعی زبان را دچار زبان‌هایی می‌کند. به قول محمدرضا باطنی شاید بهتر است بگوییم که زبان فارسی را هیچ خطری تهدید نمی‌کند؛ بلکه دست‌خوش نوعی بحران است که این بحران بیشتر از ناحیه گویندگان رادیو و تلویزیون و مطبوعات سرچشمه می‌گیرد؛ مثل این‌که از رادیو و تلویزیون در روز چند بار بشنوید که می‌گویند: عملیات‌ها یا در اغلب گزارش‌های ورزشی نوعی فارسی به کار برده می‌شود که اگر به صورت مکتوب بنویسیم، واقعا وحشتناک است. یا کار دوبلاژ فیلم‌ها؛ مثلاً هر فارسی‌زبانی می‌داند که وقتی کسی در می‌زند باید پرسید کیه؟ ولی در دوبله می‌شنویم که می‌گویند: «کیه اونجا؟» و واضح است که این یک ترجمه تحت‌اللفظی از عبارت انگلیسی است، بنابراین بحران گذرا است. در کنار این بحران نویسندگانی هستند که فارسی را، به قولی به نرمی مخمل می‌نویسند، که اگر این آثار به بازار عرضه شوند به هیچ‌وجه زبان فارسی در خطر نیفتاده؛ بلکه همچنان راه پویای خود را طی کرده‌است (باطنی، 1366: 21).

یکی از وظایف مهم رسانه‌ها، انتقال درست پیام به بهترین شکل در کم‌ترین زمان است. زبان به عنوان ابزار ارتباطی نقش بسیار مهمی را در این زمینه ایفا می‌کند. به کارگیری درست زبان و قواعد آن از طریق اصول و مبانی نگارشی و ویرایشی اولین و مهم‌ترین ابزار هر رسانه است. آن دسته از مطبوعاتی که زبان فاخر دارند، بیشتر فهمیده می‌شود و رسالت خبر رسانی و مطبوعاتی آن‌ها نیز به خوبی انجام می‌شود.

در نشست نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری‌ها دکتر حسین ذوالفقاری می‌گوید: «اگر بخواهیم شاهد مثالی برای خطاهای زبانی رسانه‌ها بیآوریم باید بگوییم مهم‌ترین خطایی که بسامد زیادی در رسانه‌های مکتوب دارد، درازنویسی است؛

یعنی جمله‌های طولانی چندخطی به جای جمله‌های کوتاه و سراسر است. نثر ساده طبیعی فارسی که از ابتدا با تاریخ بلعمی و طبری شروع شده و به گلستان رسیده‌است، جمله‌های‌شان بیش از شش کلمه نیست. در یک خط گلستان سه جمله سه فعل متنوع و تازه دارد؛ اما ما امروز سه خط می‌نویسیم و یک فعل می‌گذاریم؛ آن هم فعل‌های تکراری که طراوت نوشته‌ها را می‌گیرد. مطبوعات و رسانه‌ها زبان مردم‌اند و از دل مردم آمده‌اند. «نسیم شمال» یک آدم عادی بود که از دل مردم درآمد بود و نوشته‌هایش ساده و طبیعی بود؛ اما امروز با یک جمله می‌خواهیم ده‌ها اطلاع بدهیم. یکی از زیبایی‌های متون گذشته ما استفاده از افعال مختلف است. ما بیش از سه‌هزار مصدر و فعل در گذشته داشتیم؛ اما امروز تنها از 50 فعل استفاده می‌کنیم. رسانه‌ها هم در این زمینه نقش دارند؛ چون از افعال کمی بهره‌می‌برند. ما دچار تنبلی فکری هستیم، رمان نمی‌خوانیم، فلسفه نمی‌خوانیم. ذهن ما دچار تنبلی است و به همین دلیل زبان ما هم تنبل شده‌است».

#### 1-4- تعریف مفاهیم

**زبان معیار:** به صورتی از زبان اطلاق می‌شود که افراد یک کشور (احتمالاً به لهجه‌ها و گویش‌های محلی تلکم می‌کنند)، آن را به عنوان بهترین و موثرترین وسیله ارتباط در میان خود به کار می‌برند.

**الگوهای زبانی:** شیوه‌های کاربرد درست و غلط سطوح آوایی، دستوری و واژگانی زبان.

**الگوهای غیرمعیار:** شیوه کاربرد غلط سطوح آوایی، دستوری و واژگانی زبان.

**خطاهای زبانی:** کاربرد غلط لایه‌های زبان در نتیجه ناآگاهی از قواعد زبان با بی‌توجهی به آن‌ها.

**زبان نوشتاری:** به آن گونه از زبان گفته می‌شود که در عصر حاضر وسیله ارتباط زبانی در کتاب‌های درسی و نوشته‌های علمی و خبری و برخی از مطبوعات و برنامه‌های رادیو و تلویزیون است.

#### 2-4- فرهنگ و نقش خط و زبان در آن

فرهنگ هر ملت شناسنامه و سند هویت آن ملت به شمار می‌رود و مانند روح برای بدن است که بدون آن حیات و رشد معنی ندارد. مجموعه اعتقادات و رفتارهای مشترک افراد جامعه که از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود نمایان‌گر جایگاه و ارزش تاریخی آن ملت است. فرهنگ را با هر تعریفی که در نظر بگیریم زبان و چهره مکتوب آن یعنی خط دو عنصر اصلی و اساسی آن است.

مک براید نتیجه تحقیقات تاریخی را چنین گزارش می‌کند که «در سراسر تاریخ، افراد بشر همواره در پی بهبود توانایی خویش برای دریافت و جذب اطلاعات درباره محیط پیرامون خود و افزایش سرعت، وضوح و تنوع در انتقال اطلاعات مربوط به خود بوده‌اند. آنان کار برقراری ارتباط را با استفاده از اشارات سر و دست و علایم صوتی آغاز کردند و برای انتقال پیام‌های خود به توسعه و تکمیل یک رشته ابزار غیرلفظی پرداختند: موسیقی، رقص، طبل، آتش‌های نشانه، نقاشی و دیگر نمادهای ترسیمی» (مک براید، 1375: 45).

ارتباط نمادی آدمیان به سه شیوه اساسی صورت‌می‌گیرد شیوه نخست زبان گفتاری است که عبارت از الگوی صوتی و معانی پیوسته به آن است. زبان گفتاری آموزش و ارتباطات را آسان‌می‌کند. دومین شیوه ارتباط زبان نوشتاری است که عبارت از ثبت تصاویری از گفتار است. زبان نوشتاری آموزش و حفظ میراث فرهنگی را تسهیل‌می‌کند. سومین روش، زبان جسمانی است که از ادبیات عامیانه گرفته شده‌است و به معنای برقراری ارتباط با حرکات دست و صورت و به‌طور کلی با ایما و اشاره است» (کوئن، 1379: 60).

این خط و زبان است که مردم را به گذشته پیوند می‌دهد و آنان را برای دفاع از داشته‌ها و پیشینه خود آماده فداکاری و مقاومت می‌کند. بدیهی است با تغییر زبان و خط، در دراز مدت ملتی پدید خواهد آمد که گویی نوزادی است با نسب مجهول و بدون هرگونه پشتوانه ملی و تاریخی.

### 3-4- زبان و گونه‌های آن

تعریف زبان به نحوی که مورد قبول همه زبان‌شناسان و دیگر دانشمندان باشد که با زبان و مطالعه آن سروکار دارند مقدور نیست. این اشکال از طبیعت خود زبان ناشی می‌شود. زبان پدیده‌ای بسیار پیچیده است که مطالعه آن را نمی‌توان به یک قلمرو محدود کرد (باطنی، 1376: 1).

به تعبیر ساده شاید بتوان گفت زبان در درجه اول مجموعه‌ای از کلمات و ترکیبات است که بر پایه قواعدی رایج و مانوس در جمله‌ها برای رساندن معانی مورد نظر گوینده یا نویسنده به کار می‌رود (یوسفی، 1365: 190).

به‌طور کلی سه لایه دارد که در عین داشتن روابط متقابل با یکدیگر هر کدام اصول و قواعدی مخصوص دارند که آن را از دو لایه دیگر متمایز می‌کند که عبارت‌اند از: عناصر آوایی، اعم از واج‌ها و پدیده‌های دیگر صوتی مانند آهنگ، تکیه، کوتاهی و بلندی مصوت‌ها و هجاها که آن‌ها را پدیده‌های زبرنجیری می‌نامند. دستور زبان که خود از دو بخش صرف و نحو تشکیل می‌شود. صرف به بحث از تغییرات صورت ادوات دستوری و نحو به مسائل مربوط به ساخت جمله و روابط اجزای جمله با یکدیگر یا به‌طور کلی قواعد جمله‌بندی می‌پردازد. واژگان یعنی مجموع واژه‌های قاموسی زبان (مانند اسم‌ها، فعل‌ها و... مستقل از تغییرات صرفی و روابط نحوی آن) که خود دو وجه مستقل دارد: الفاظ و معانی.

### 3-4- زبان و مطبوعات

پیدایش وسایل ارتباطی و رسانه‌های جمعی زندگی انسان معاصر را با زندگی مردمان دوره‌های پیش سخت متفاوت کرده‌است. پیدایش این وسایل تنها یک گام عملی نبوده‌است؛ بلکه در زمینه‌های نظری نیز همگام یا مقدم بر آن‌ها، پیشرفت‌های شگرفی حاصل شده‌است (باطنی، 1370: 119).

با توجه به تعداد بی‌شمار کم‌سوادان کشور و نظام آموزشی، آموزش زبان فارسی به نحو ناقصی صورت‌می‌گیرد. دانش‌آموختگان نیز، زبان فارسی را خوب نمی‌آموزند و چندان مهارتی در به کارگیری آن کسب نمی‌کنند، کیفیت زبان رسلنه‌های همگانی آنان را به سهولت تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و خواه ناخواه به الگوبرداری و پیروی وامی‌دارد (ایرانی، 1375: 167).

این که رسانه‌ها سبب آسان‌تر شدن ارتباطات درون جوامع و ارتباطات بین جوامع می‌شوند، آثار زبانی دیگری را در پی دارد؛ مثلاً باعث زوال زبان‌های غیررسمی و گویش‌های محلی یک کشور می‌شود و گسترش و یکپارچگی زبانی را پدیدمی‌آورد؛ همچنین باعث شیوع یک الگوی زبانی در طبقات مختلف جامعه می‌شود؛ یعنی افراد طبقه پایین تحت تأثیر رسانه‌ها از رفتار زبانی طبقات بالای جامعه تقلیدمی‌کنند طبقات بالاتر به نوبه خود گرایش‌های تازه‌ای پیدامی‌کنند و صورت‌های زبانی دیگری را به کار می‌گیرند؛ ولی در دراز مدت ممکن است، گوناگونی و تنوعات یک جامعه زبانی به تدریج از میان برود (مدرسی، 1368: 157).

کاسته‌شدن از گوناگونی‌ها و تفاوت‌های زبانی اعضای یک جامعه زبانی از طریق رسانه‌ها، می‌تواند به روندی منجرشود که وحدت زبانی نامیده می‌شود. زبان مشترک گاهی در وحدت یک گروه موثرتر از سایر مؤلفه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. زبان می‌تواند عامل بسیار مهمی در همانندی گروهی، همبستگی گروهی و علامت‌رسانی متفاوت باشد (ترادگیل، 1376: 31).

میزان نفوذ وسایل ارتباط جمعی و گستردگی آن‌ها باعث شده‌است که مفهومی به نام فرهنگ جمعی پدید آید و عناصر مختلف آن، به‌ویژه زبان تحت تأثیر مستقیم رسانه‌ها قراردارند. اگر سیاست فرهنگی و راهبرد آموزشی مشخصی وجود داشته‌باشد، رسانه‌ها نه تنها می‌توانند در باروری فرهنگ جمعی نقش اساسی داشته‌باشند؛ بلکه در کشورهای در حال توسعه می‌توانند بسیاری از کمبودها را نیز جبران‌کنند و بر مشکلاتی چون کمبود فضای آموزشی، کمبود علم، دشواری دسترسی به نقاط دورافتاده و ... فائق آیند (حیدرزاده، 1365: 504).

ما از یک سو به ادبا و شعرا و زبانمان افتخارمی‌کنیم و زبان فارسی را از شیرین‌ترین زبان‌ها می‌دانیم و از سوی دیگر می‌بینیم که رسانه‌ها به سوی تثبیت زبانی می‌روند که به دور از قواعد و اسلوب‌های زبان فارسی است. زبان رسانه‌های ما به‌طور اعم، زبانی است که در حالت شتاب‌زدگی و بی‌توجهی به قواعد ساخته می‌شود. مطالب علمی آن در بهترین شرایط محصول ترجمه مکانیکی است یا حتی در صورتی که تألیف شود چنان تحت تأثیر اشتباهات رایج است که اگر از نظر دستوری هم غلط فاحش نداشته‌باشد، عبارات آن به کلی بی‌معناست (حیدرزاده، 1365: 513).

روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون ما با آن که به خوبی از نقش خود در سلامت زبان فارسی باخبرند، زبانی که اختیار کرده‌اند پر از غلط‌های آشکار است و با آن که گه‌گاه مطالبی می‌نویسند و می‌گویند که حاکی از آگاهی و حس مسئولیت است، معلوم نیست که چرا به درمان این درد نمی‌پردازند (ایرانی، 1375: 168).

یکی از مشکلات زبان رسانه‌ها به سازماندهی و گردش کار و مدیریت آن‌ها مربوط است. در آموزش‌های رسمی چند عنصر مشخص مثل سازماندهی متن و ارزشیابی (ولو ناقص) وجود دارد؛ ولی در رسانه‌های همگانی نشانی از این همه عوامل یا برخی از آن‌ها در میان نیست. رسانه‌های ما به‌ویژه بخش علمی آن‌ها در بیشتر موارد از یک سیاست مشخص و تدوین شده پیروی نمی‌کنند. این ناهماهنگی در مطبوعات و رسانه‌های مختلف شدت و ضعف دارد و در هر صورت ناشی از اصول حاکم بر فعالیت آن‌ها یعنی فرهنگ، سنت‌ها و آرمان‌های اجتماعی است (حیدرزاده، 1365: 507).

زبان پدیده‌ای تأثیرپذیر است و زبان فارسی تحت تأثیر ساخت‌های زبان‌های بیگانه بیش از حد در حال دگرگونی است و در صورتی که بین تثبیت و تحول آن نوعی تعادل برقرار نشود به مرور زمان سلامت خود را از دست می‌دهد. می‌توان ادعا کرد که مردم ایران در حال حاضر زبان خود را با رسانه‌ها محک می‌زنند؛ به‌ویژه جوانان، اطلاعات خود را عمدتاً از طریق رسانه‌ها دریافت می‌کنند؛ در نتیجه زبان رسانه‌ها بلامنازع پذیرفته می‌شود (سمیعی، 1375: 61).

عوامل فرهنگی و اجتماعی باعث شده‌است که اقشاری از مردم ایران بدون هیچ مانعی زبان رسانه‌هایی چون روزنامه‌ها و مجلات را به عنوان زبان معیار بپذیرند. به هر روی جامعه باید زبان معیاری داشته‌باشد تا بتواند به عنوان مهم‌ترین عامل ارتباطی در میان افراد جامعه به کار برده شود. هر چه الگوهای زبانی غیرمعیار رواج پیدا کنند، به مرور زمان به‌عنوان الگوهای معیار پذیرفته می‌شوند؛ در نتیجه زبان از جنبه‌های مختلف معیوب و ناقص می‌شود و اگرچه در ظاهر بتواند به نقش ارتباطی خود ادامه دهد؛ اما قواعد آن فرومی‌ریزد، صرف و نحو آن دچار تغییر و اشکال می‌شود.

ارتباط، اصل هستی‌بخش جامعه انسانی و سامان‌دهنده سیر تکوین و تطور و انتظام ساختاری و کارکردی آن است. بدون ارتباط، نهادهای اجتماعی و تمایزپذیری آن‌ها شکل نمی‌گیرد. بدون ارتباط، نه تنها تعامل انسانی بلکه حیات اجتماعی ممکن نیست. نظام اجتماعی از اندام‌ها و اذهان انسانی تشکیل نشده‌است؛ بلکه تنها شبکه‌ای از ارتباطات است که پیوسته و بی‌وقفه بازآفرینی می‌شوند و به یکدیگر می‌پیوندند (رهنما، 1384: 264).

#### 6-4- رسانه‌ها و مسئله خط و زبان

بدون تردید «زبان در قلب و هسته اصلی کلیه وجوه ارتباطات بشری قرار دارد» (دفلور: 1383: 33) و رسانه‌ها برای برقراری ارتباط با مخاطبان ناچار از به کارگیری آن هستند؛ گاه به صورت گفتاری و گاه به صورت نوشتاری؛ بنابراین زبان و مسائل پیرامون آن (مانند گویش‌های محلی و قومی) نقش مهمی در کارکرد رسانه‌ها پیدامی‌کنند.

خط و زبانی که در رسانه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، مستقیم یا غیرمستقیم خواسته یا ناخواسته، به عنوان خط یا زبان الگو در میان مخاطبان رایج می‌شود. رواج فوری و گسترده واژگان و حتی لحن‌های به کار رفته در برنامه‌های رادیو و تلویزیون در میان مردم نشانه روشن این الگوسازی است.

فرزان سجودی در بحث رسانه و چیستی آن می‌نویسد: «وجود رسانه لازمه تحقق متن است؛ یعنی متن عینیت نمی‌یابد؛ مگر آن که در رسانه‌ای تولید شود تا از طریق آن دریافت شود ... انتخاب رسانه و چگونگی بهره‌گیری از امکانات آن منجر به تولید نشانه‌هایی می‌شود که دلالت‌گر هستند و با متن، دریافت و تفسیر می‌شوند و نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش امکانات دلالتی کلیت متن دارند. امکانات دلالتی هر رسانه را رمزگان هر رسانه به وجود می‌آورد و تفسیر نشانه‌های رسانه‌ای نیز از طریق وقوف به قراردادهای رمزگان رسانه ممکن است؛ پس رسانه از متن جدایی‌ناپذیر است و تصور متن بدون رسانه ناممکن است؛ اما رمزگان رسانه تفاوتی عمده با رمزگان‌های دیگر از جمله زبان دارد و این که رمزگان رسانه، رمزگانی افزوده است، نه رمزگان اصلی؛ اما افزوده‌ای که اصل آن بی‌قابلیت تحقق نمی‌یابد» (سجودی، 1384: 337).

#### 7-4- رسانه‌های جمعی و زبان

رسانه‌های جمعی که امروزه جامعه‌شناسان آن را Mass media می‌خوانند و به‌خصوص رادیو و تلویزیون که علی‌رغم، حضور اینترنت و ماهواره، هنوز بیشترین مخاطبان جامع را به خود اختصاص می‌دهد، تأثیراتی آشکار، سریع، مستقیم، متعدد و بسیار نافذ دارد. این تأثیرات بر بنیادها، باورها و رفتارها، فرهنگ، سنت‌ها، عادات، روابط و مدل‌های رایج اگر نگوییم چیره‌می‌شود، حداقل باید بپذیریم که بر آن‌ها سایه می‌افکند.

می‌بینیم که در برخی از برنامه‌ها واژه‌هایی را که فرهنگستان زبان و ادب فارسی نه تعریفی برای آن دارد نه جایگزینی، واژه‌ها و اصطلاحاتی که در گویش جامعه به‌خصوص جوانان، سریع جا خوش می‌کند و بعد از چند صباحی، با برنامه‌ای دیگر و گویش و اصطلاحات ساخته و پرداخته سازندگان برنامه جدید جایگزین می‌شود.

پس نباید فراموش کنیم که هم اکنون در بسیاری از کشورهای جهان رسانه‌های جمعی، رادیو، تلویزیون، فیلم، اینترنت و روزنامه، آن‌چنان به پخش و انتشار اطلاعات مشغولند که دریافت پیام آن‌ها اجتناب‌ناپذیر است. مارشال مک‌لوهان استاد دانشگاه تورنتو و فیلسوف معاصر کانادایی می‌گوید: «وسیله پیام است، شما کتاب می‌خوانید، من به رادیو گوش می‌دهم، او تلویزیون تماشا می‌کند، او می‌بیند. ما لمس می‌کنیم، این وسیله است که ما را تغییر می‌دهد، این وسیله است که بر ما حکومت می‌کند» (رشیدپور، 1352: 10).

رسانه‌های جمعی که ببیننده را جذب خود می‌کنند، او را تحت‌تأثیر قرارداده و خواه و ناخواه، به او می‌آموزد، دارای زبانی ابتر و اشتباه باشد، مخاطبان رسانه، آن زبان ناسره را به عنوان زبان معیار پذیرا خواهند بود و مخاطب هم، هر چه جوان‌تر خطر یادگیری غلط در او بیشتر خواهد بود؛ به عنوان مثال در فیلمی به نام خویشاوندی که از شبکه 3 پخش می‌شد عنوان اصلی فیلم از نظر قواعد دستوری اسم است «خویشاوندان»، در صورتی که این اسم در زبان فارسی بدل به صفت شده‌است و در جایی که صحیح آن «باید پایت در آب باشد» می‌شنویم «باید پایت خیس بخورد» که اصطلاح خیس خوردن برای پا نه تنها رایج نیست بلکه نادرست است. یا در اخبار می‌شنویم که گوینده می‌گوید «این بخش خبری را به پایان خواهیم برد»؛ در حالی که باید بگوید: «این بخش خبری را به پایان می‌بریم». می‌توان گفت وایلس (Wilss) را پذیرفت که: «ترجمه‌پذیری متن از طریق وجود مقوله‌های همگانی نحوی، معنایی و منطقی طبیعی تجربه تضمین می‌شود. این که ترجمه‌ای نمی‌تواند از لحاظ کیفی با اصل خود برابری کند، دلیلش ناکافی بودن گنجینه نحوی و واژگانی زبان مقصد نیست؛ بلکه ناتوانی مترجم در تحلیل متن است» (وایلس، 1982: 49).

## 8-4- آسیب‌ها و راهکارهای رسانه‌ها

### 1-8-4- آسیب‌ها

از جمله آسیب‌های رسانه‌ها می‌توان به ورود لغات و واژگان بیگانه به زبان فارسی، هم‌سو نبودن رسانه‌ها با تحولات زبان فارسی، فاصله‌گرفتن از زبان مادری، استفاده از ویراستاران غیرمتخصص نام برد. سمیعی‌گیلانی می‌گوید: «زبان فرهنگی مشترک و فراگیر در پرتو تلاش نویسندگان و گویندگان و مترجمان دوره‌های متعدد ادبی و علمی پدید آمد و قوام یافت. آن زبان پرتوانی که به دست ما رسیده شده به همین کوشش‌ها ساخته و پرداخته شده‌است» (سمیعی‌گیلانی،



1375: 181) رسانه‌ها در معادل‌سازی و واژه‌سازی باید متناسب با زبان فارسی پیش برود، بنابراین رسانه‌ها باید با بهره‌گیری از امکانات درونی زبان فارسی و در راستای سلامت و نیرومندی آن بکوشند.

## 2-8-4- راهکارها

رسانه‌ها باید واژگانی که با ساختار زبان فارسی متناسب هستند، به کار ببرند تا مروج سلامت زبان فارسی باشند؛ زیرا سرعت تحوّل زبان فارسی در دروان اخیر، نتایجی را به بار آورده‌است: «یکی مهجورماندن و فراموش شدن زبان گذشتگان که موجب قطع رابطه با سنت فرهنگی است و دیگری مختل شدن امر ارتباط میان مردم از طریق زبان، یعنی تفهیم و تفهیمی که خود پایه تفاهم اجتماعی و هم‌زبانی است» (نجفی، 1375: 28).

«زبان فارسی براساس امکانات ترکیب‌سازی خود میدان گسترده‌ای برای افزایش واژگان خود دارد؛ اما این کاری نیست که یک‌بار و به دست یک یا چند نفر انجام شود؛ بلکه کاری است گام به گام که در حول نسل‌ها پیش می‌رود و چه بسا تجربه‌های دوباره و چند باره لازم است تا به دقیق‌ترین و رساترین واژه ممکن برای یک مفهوم برسیم، تا یک امکان درونی زبان برای بیان یک معنا و مفهوم کشف کنیم» (آشوری، 1375: 134).

بسیاری از رسانه‌ها مروج کلمات زبان بیگانه به زبان فارسی‌اند. به قول احمد سمیعی‌گیلانی: «الگوهای بیانی بیگانه از راه رسانه‌های گروهی، به‌ویژه صدا و سیما به زبان مردم نیز راه یافته و آن را از صفا و سادگی و پاکی انداخته‌است. چیزی نمانده که نسل‌های تازه از شنیدن سخنان شیرین و جذاب و زنده و با روح و پرمایه و رنگین مادر بزرگ‌ها محروم بمانند و ناگزیر شوند که با زبانی رنگ‌باخته، بی‌نمک و بی‌رمق سر کنند» (سمیعی‌گیلانی، 1375: 228).

می‌توان آشنایی مسئولان و متخصصان رسانه‌ها با ساختار زبان فارسی، واژه‌سازی، شناخت زبان فارسی و کارکردهای واژگانی آن، برگزاری آزمون‌های دقیق تخصصی برای اصحاب رسانه‌ها، جلسه‌های هم‌اندیشی و گردهمایی در خصوص زبان فارسی، ارائه الگوی بیانی سالم به مخاطب را از جمله راهکارها دانست.

## نتیجه‌گیری

آن‌چه می‌تواند ما را انسانی با فرهنگ معرفی کند این است که بتوانیم مسائل عادی زندگی پیرامون خود را لمس کنیم و مورد قضاوت قرار دهیم؛ آن‌ها را تجزیه و تحلیل کنیم و بتوانیم از آن‌ها سخن بگوییم؛ بنابراین رسانه‌ها و زبان رسانه‌ها نقش مهمی را در این میان برعهده دارند. برای آن‌که بتوانیم درست‌مطلبی را انتقال دهیم باید صحیح بیاموزیم. رسانه‌ها در نحوه انتقال پیام، بیان و ترجمه برابری بیگانه مشکلاتی دارند و این به سبب ماهیتشان که همان سرعت در انتقال پیام است، به وجود می‌آید؛ بنابراین برگزاری کلاس‌های آموزشی برای اصحاب رسانه (خبرنگاران، مجریان صدا و سیما، روزنامه‌نگاران) ضروری است.

پس نباید خطرات رسلنه‌ها را کوچک بپنداریم و به خود بگوییم که این وسایل ارتباط گروهی، بی‌نیاز از کنترل و نظارت‌اند؛ چرا که با هجوم اجتناب‌ناپذیر اطلاعات، ورد نام‌ها، اصطلاح‌ها و ترکیب‌های تازه به زبان فارسی ضرورت دارد. مترجمان، نویسندگان و گویندگان رسانه‌های گروهی همچون رادیو و تلویزیون با توجه به رسالت رسانه‌ها، در فراگرفتن صحیح زبان کوشا باشند و اصلاح زبانی و درست‌گفتاری را اصل قرار دهند، تا این تصور بوجود نیاید که چون برخی

برنامه‌ها گذرا هستند و ماندگاری ندارند؛ پس نیازی به اصلاح آن نیست و شاید هم کسی متوجه خطاها، غلط‌ها و اشتباه‌های ما نشود. درست‌گویی و رعایت دست‌ورزبان، باعث حفظ پیوستگی فرهنگی است که رسانه در این زمینه می‌تواند نقش برجسته‌ای داشته‌باشد. اگر اشتباه‌های گفتاری، در رسانهٔ جمعی، تکرار شود، منجر به تثبیت اشتباه‌ها می‌شود؛ اما استفاده درست واژگان در گفتار گویندگان رسانه جمعی (رادیو و تلویزیون)، می‌تواند تأثیر مطلوبی در رواج فرهنگ و زبان فارسی داشته‌باشد.

## منابع و مأخذ

- 1- آشوری، داریوش، (1375)، «زبان فارسی و کارکردهای تازه آن»، مقاله‌های نشر دانش دربارهٔ زبان فارسی، زیر نظر نصرت‌الله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- 2- ایرانی، ناصر، (1375)، «زبان فارسی را حفظ کنیم»، دربارهٔ زبان فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- 3- باطنی، محمدرضا، (1370)، *مسائل زبان‌شناسی نوین*، تهران: نشر آگاه.
- 4- باطنی، محمدرضا، (1376)، *توصیف ساختمان دستور زبان فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- 5- باطنی، محمدرضا، (1390)، *زبان و تفکر*، تهران: نشر آگاه.
- 6- ترادگیل، پیتر، (1376)، *زبان‌شناسی اجتماعی*، ترجمهٔ محمد طباطبایی، تهران: آگاه.
- 7- حیدرزاده، توفیق، (1365)، *نقش رسانه‌های همگانی در ترویج زبان علم و مشکلات موجود در ترویج زبان علم از رسانه‌ها*، مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی، زبان علم، مرکز نشر دانشگاه.
- 8- دفلور، ملوین، (1383)، *شناخت ارتباطات جمعی*، ترجمهٔ سیروس مرادی، انتشارات دانشکده صدا و سیما.
- 9- دادور، ایلمیرا، (1385)، *رسانه‌های جمعی و زبان*، پژوهش زبان‌های خارجی.
- 10- ذوالفقاری، حسن، (1385)، *الگوهای غیرمعیار در زبان مطبوعات*، مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس.
- 11- \_\_\_\_\_، (1386)، *آسیب‌شناسی مطبوعات*، نشریه رسانه، شماره 72.
- 12- رشید پور، ابراهیم، (1352)، *آیین‌های جیبی مک لوهان*، تهران: انتشارات سروش.
- 13- رهنما، هوشنگ، (1384)، «زبان: گفتار و نوشتار، جستاری در رسانه‌های گروهی و جامعه»، زبان و رسانه (مجموعه مقالات)، تهران: مرکز تحقیق و توسعه رادیو.
- 14- سجودی، فرزانه، (1384)، «*نشانه‌شناسی رادیو*»، زبان و رسانه (مجموعه مقالات)، تهران: مرکز تحقیق و توسعه رادیو.
- 15- سمیعی‌گیلانی، احمد، (1375)، «زبان محلی، زبان شکسته و بهره‌گیری از فرهنگ مردم در صدا و سیما»، دربارهٔ زبان فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- 16- \_\_\_\_\_، (1375)، «زبان محلی، زبان شکسته»، برگزیدهٔ مقاله‌های نشر دانش دربارهٔ زبان فارسی، زیر نظر نصرت‌الله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- 17- \_\_\_\_\_ (1375)، «فارسی بنویسیم»، برگزیده مقاله‌های نشر دانش درباره زبان فارسی، زیر نظر نصرت‌الله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- 18- صادقی، طاهره و امیدمفرد، فاطمه، (1393)، «زبان فارسی و رسانه‌ها»، نخستین همایش آموزش زبان فارسی دانشگاه تربیت مدرس، صفحات 340-346.
- 19- کوئن، بروس، (1379)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه و اقتباس از غلام عباس توسلی و رضا فاضلی، چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.
- 20- مدرسی، یحیی، (1368)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- 21- معینی، علیرضا، (1391)، *تربیت صدا و گویندگی*، تهران: طرح آینده.
- 22- مک براید، شن، (1375). *یک جهان چندین صدا*، ترجمه ایرج پاد، چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش.
- 23- نجفی، ابوالحسن، (1375)، «*آیا زبان فارسی در خطر است*»، برگزیده مقاله‌های نشر دانش درباره زبان فارسی، زیر نظر نصرت‌الله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- 24- یوسفی، غلامحسین، (1365)، «*افراط و تفریط و اعتدال در نگارش فارسی*»، مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی، زبان علم، مرکز نشر دانشگاهی.
- 25- شمس، آزاده و دستاران، ساره، (24 آبان‌ماه 1393)، «*رسانه‌ها با زبان فارسی چه می‌کنند؟*»،

<https://www.isna.ir/news>

26-Wilss,W., The science of translation :Problems and methods, trans. Wolfram Wilss, Tübingen : Max Niemeyer Verlag. 1984.